

کتاب‌های ایرانی در ترجمه‌های خارجی

نقش آثار ترجمه شده متفکران ایرانی در روند شکل‌گیری اندیشه دینی در ترکیه

* ارطغرل ارتکین (علی اکبر)

* ترجمه: سید اصغر سید ترابی

اشاره:

در این مقاله، جریان اسلامی به سه دوره تقسیم شده است. از ۱۹۲۳ تا ۱۹۷۰، ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ و بعد از ۱۹۸۰ م. دوره سوم یعنی سال ۱۹۸۰ م. به بعد و ورود آثار متفکران ایرانی به ترکیه و نحوه نگرش و تلقی مسلمانان ترک مطمح نظر است و تحیل و بررسی می‌شود. در ضمیمه مقاله، فهرستواره ترتیب زمانی ترجمه‌های آثار متفکران ایرانی ارائه شده که از جهت میزان علاقه به آثار مذکور اهمیت فراوان دارد. پس از بررسی کلی جریان ترجمه به موضوع اصلی مقاله خواهیم پرداخت که شامل چگونگی فهم و ارائه آثار متفکران ایرانی از سوی مترجمان با نگاه ویژه به آثار مرحوم مرتضی مطهری است که سال‌ها، خوانندگان بدان توجه داشته‌اند.

به همین دلیل بررسی آن از دو جهت، کار سختی است: یکی عدم دسترسی به منابع کافی اعم از کتاب و سایر منابع علمی و دوم فراوانی سئوالاتی که در حین بررسی موضوع با آن مواجه می‌شویم، و ضرورت پاسخ به آنها. با توجه به این مسئله می‌توان مقاله را به این صورت طراحی کرد: ابتدا باید جایگاه جریانات فکری را در دوره بعد از عثمانی مشخص کرد، سپس ضمن تقسیم جریان اسلامی به سه دوره از ۱۹۲۳ تا ۱۹۷۰، ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ و از ۱۹۸۰ م. به بعد، به بررسی اندیشه‌های اسلامی و تقویت آن از طریق ترجمه آثار اسلامی در این دوره‌ها پرداخت. همانگونه که از عنوان مقاله نیز پیداست، محور اصلی این مطلب، نویسندگان ایرانی است. به همین دلیل ضمن بررسی اهمیت آثار متفکران ایرانی به آثار ترجمه شده از متفکران سایر کشورها نیز اشاره

خواهد شد. به منظور نشان دادن توزیع زمانی آثار متفکران ایرانی به ویژه آثار مرحوم مطهری، فهرستواره و جداولی طراحی شده، که در درک بهتر موضوع مؤثر خواهد بود.

آثار ترجمه شده در ترکیه بین سال‌های ۱۹۲۳-۱۹۷۰ م. جریانات فکری حاکم در آخرین دوران حکومت عثمانی می‌تواند تحت سه عنوان بررسی شود: جنبش خلافت، جنبش ملی‌گرای ترکی و گرایش اسلامی. طرفداران خلافت با تأسی از ارزش‌های غربی، بدون آنکه عنصر اسلامی را انکار کنند، از



اسلامی با توجه به این وضعیت، در شرایط خاص دهه شصت میلادی توانستند، مطالبات و اهداف خود را منتشر سازند.

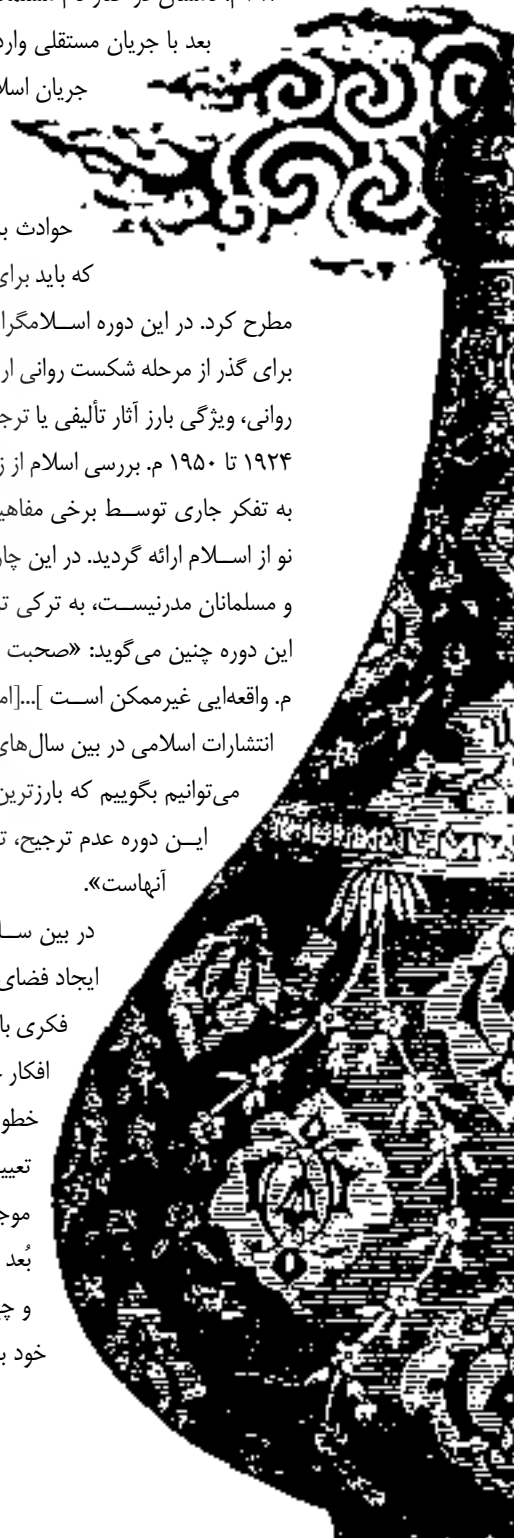
در دهه ۱۹۶۰ م. جهان شاهد تحولاتی بود که کشور ما را نیز تحت تأثیر قرار داد. جریان‌های ملی‌گرایی و ظهور بعثیون در برخی کشورها که از دهه ۱۹۵۰ م. آغاز شده بود، از جمله این حوادث است. دوره مصدق در ایران، ناصر در مصر، کودتاهای پی‌درپی که در سوریه و عراق به وقوع می‌پیوست فقط چند نمونه از این تحولات است. همه این تحولات، در جو ترکیه مؤثر واقع شدند. در این دوران طرفداران جناح‌های چپ و پیروان اندیشه‌های دینی، ملی‌گرایی و محافظه‌کار، وارد بحثی جدی شدند. در این دوره ایدئولوژی سوسیالیسم نیز، جامعه اسلامی ترکیه را تحت تأثیر گذاشت و بحث‌های جدی به صحنه وارد شد که آیا سنتزی بین سوسیالیسم با اسلام امکان‌پذیر هست یا نه. محتوای بسیاری از تألیفات، و ترجمه‌ها شامل این‌گونه مباحث بود. در این اوضاع سعی می‌شد تا برای سئوالات مطرح در شرایط آن روز ترکیه و دنیا، پاسخ‌هایی ارائه شود؛ مسائلی مانند اقتصاد، عدالت اجتماعی و غیره. در این زمان، نویسندگان ایرانی هنوز مورد توجه جامعه ترکیه نبودند، و ترجمه آثار اندیشمندان چون: سید قطب، عبدالعزیز بدر، محمد قطب، تقی‌الدین نهبانی و مصطفی سبائی که بیشتر عرب بودند ترجیح داده می‌شد. در بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ م. اسلامگرایی ترک، با مسائلی مانند رابطه یا عدم رابطه اسلام و سوسیالیسم و نگرش اسلام به مسائل اجتماعی سرگرم بود. مسئله سوسیالیسم که در این دوره مدام موضوع بحث محافل بود، نگرش اسلام به کاپیتالیسم را به دنبال داشت. این موضوع نیز با ترجمه آثار خارجی مطرح می‌شد. در این خصوص نیز بیشتر آثار نویسندگان عرب به ویژه سید قطب در صدر قرار داشت.

در همان دوره فعالیت‌هایی که با ترجمه آثار انتقادآمیز از سوسیالیسم و کاپیتالیسم صورت می‌گرفت، سعی می‌شد تا نقطه نظرات اسلام درباره مسائل اقتصاد، از طریق ترجمه آثار منعکس گردد. در این خصوص آثار مودودی بیش از دیگران مورد توجه بود. از دهه ۱۹۶۰ م. به این طرف، با مشخص شدن محدوده مفاهیمی چون، «ملی‌گرا، مقدس‌گرا و محافظه‌کار» اسلامگرایی ترک با توجه به آثار ترجمه شده، هویت جدیدی را برای خود ترسیم می‌کرد. در این راستا تمایل به ترجمه آثار کلاسیک بیش از دیگر آثار به چشم می‌خورد و در میان آثار کلاسیک نیز، آثار ابن

اعطای حقوق بیشتر به اقلیت‌ها دفاع می‌کردند. این گروه به دلیل عدم ارائه مدل خاصی از حکومت بر اساس تفکرات خود، در مدت کوتاهی در درون جریان‌های اسلامی محو و از صحنه خارج شدند. اما طرفداران ملی‌گرایی ترک در پی تفکر حکومت ملی بودند، به ویژه در دوره اول مشروطیت قدرت گرفتند. این جریان که تا سال ۱۹۷۰ م. نامشان در کنار نام مسلمانان قرار داشت، از این تاریخ به بعد با جریان مستقلی وارد صحنه شدند.

جریان اسلامی نیز در این دوره با انگشت به اشتباهات گذشته در پی بازخواست و تجزیه و تحلیل حوادث برآمد، و در خصوص کارهایی که باید برای آینده انجام شود، سئوال‌هایی مطرح کرد. در این دوره اسلامگراها سعی داشتند پیشنهادهایی برای گذر از مرحله شکست روانی ارائه کنند. در این مرحله شکست روانی، ویژگی بارز آثار تألیفی یا ترجمه اسلامگراها بین سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۵۰ م. بررسی اسلام از زاویه عقل‌گرایی و تشبیه اسلام به تفکر جاری توسط برخی مفاهیم عاریت گرفته شد، و تعریفی نو از اسلام ارائه گردید. در این چارچوب، بیشتر آثار شرق‌شناسان و مسلمانان مدرنیست، به ترکی ترجمه شد. اسماعیل کارا درباره این دوره چنین می‌گوید: «صحبت از نشر آثار دینی تا سال ۱۹۵۰ م. واقعایی غیرممکن است [...] اما اگر بخواهیم ارزیابی کلی از انتشارات اسلامی در بین سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۶۰ م. ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم که بارزترین و قابل توجه‌ترین ویژگی آثار این دوره عدم ترجیح، تمایل و جهت‌گیری خاص در آنهاست».

در بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰ م.، با ایجاد فضای باز سیاسی جریانات مختلف فکری با تمایلات متنوع سعی در انتشار افکار خود داشتند و در این تلاش که، خطوط فکری حرکت‌های مختلف، تعیین‌گردد. فضای چندحزبی موجب شد حرکت‌های جدیدی، بُعد اسلامی خود را برجسته سازند و چهره‌ای متفاوت از اصل و ریشه خود به نمایش گذارند. اما نشریات



تیمیه بیشتر از سایر آثار ترجمه، مطمح نظر بود.

آثار ترجمه شده در ترکیه بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ م.

اسلامیون ترکیه متناسب با شرایط این کشور در پی الگوی حکومتی متناسب با افکار و اندیشه‌های خود بودند. آنها بیش از آنکه اندیشه‌های خود را درباره مسائل فرهنگی و اجتماعی اسلام مطرح کنند، بر ترجمه آثاری اهتمام می‌ورزیدند که بر بُعد سیاسی اسلام تأکید داشت.

در این دوره، اسلام به عنوان عنصری از عناصر وحدت اجتماعی تلقی نمی‌شد، بلکه تلقی از آن نظام سیاسی بود. در آثار ترجمه شده نیز، بیشتر بر چگونگی تشکیل جامعه اسلامی و هدایت آن جامعه با شریعت و قوانین اسلامی تأکید می‌شد. اداره جامعه با قوانین حقوقی شریعت اسلام ایجاب می‌کرد که همه چیز و حتی آموزش نیز متناسب با این قوانین باشد. این وضعیت از یک سو با ساختار موجود در تضاد بود و از سوی دیگر موجب اختلاف نظر در میان اسلامگرایان می‌شد. اسلامیون دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ م. با این تفکر به مخالفت پرداختند و آن را رد کردند. اسلامیون که در پی حکومت ایده‌آل متناسب با قوانین اسلامی بودند، مانند سنت‌گراها، سعی می‌کردند نقطه نظرات و اندیشه‌های خود را از طریق ترجمه آثار به مخاطبان برسانند. همزمان با این تحولات، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، توجه اسلامیون سیاسی را به سوی این کشور جلب کرد.

انقلاب اسلامی ایران بر جوانان مسلمان دانشگاهی، بیشترین تأثیر را داشت. جوانان دانشگاهی که پیش از آن در پی مطالعه آثار ردیه متفکران پاکستانی و مصری بودند، از این تاریخ به بعد در کنار آثار قبلی، به مطالعه آثار ترجمه شده متفکران ایرانی، پرداختند. در این جریان، اولین متفکری که به دلیل آشنایی با اندیشه نوین، نظرها را به خود جلب کرد، دکتر علی شریعتی بود. بعد از آن استاد شهید مرتضی مطهری، امام خمینی (ره)، آیت‌الله طالقانی (ره) و علامه طباطبایی (ره)، مورد توجه قرار گرفتند. دوره بعد از سال ۱۹۸۰ م. دوره‌ای است که نشریات اسلامی،

به طور جدی افزایش یافت و تنوع چشمگیری در آن به وجود آمد. تنوع موضوع، باعث ایجاد تنوع زبان و جغرافیای آثار ترجمه شده گردید. در کنار مصر و پاکستان، آثار متفکران ایران، سوریه، لبنان، الجزایر، تونس، سودان و بوسنی جایگاهی مهمی پیدا کرد. با این روند مبانی و مفاهیم اصیل اسلام، تفاسیر متفاوت از اسلام، حرکت‌ها و شخصیت‌های اسلامی، ادبیات جدیدی را در ترکیه به وجود آورد. به عبارتی دیگر، اندوخته‌های سنتی منقطع در طول تاریخ، شکل جدیدی به خود گرفته و توأمان حیات تازه‌ای یافت.

تفاسیر و برداشت‌های جدید از اسلام، درون مرزهای ترکیه محصور ماند، و مفاهیم اسلامی در جغرافیای معینی، موجودیت خود را ادامه داد.

این موضوع باعث شد، تا آثار اسلامی ترجمه شده به زبانی ترکی نیز با برداشت‌های متفاوتی مواجه شود. آنچه ما قصد داریم بدان بپردازیم این است که اسلامیون ترکی که با مطالعه آثار ابوالاعلا مودودی، سید قطب و مانند آن، تمایلات و جهت‌گیری‌های متفاوتی پیدا کرده بودند، آثار متفکران ایرانی را چگونه مطالعه و تفسیر کردند. زیرا در آن دوره، همانگونه که یکی از نویسندگان نیز اشاره دارد، «محتوای فکری اسلامی ترکیه راه فرهنگ اخوان المسلمین و عناصر پویای انقلاب اسلامی ایران تشکیل می‌داد».

آثار ترجمه شده بعد از ۱۹۸۰ م.

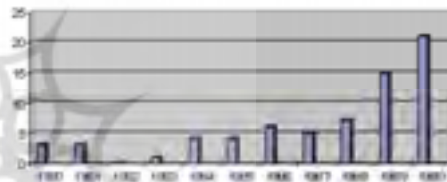
همانگونه که در بالا نیز ذکر شد، اسلامیون ترک بعد از سال ۱۹۸۰ م. با آثار متفکران ایرانی آشنا شدند؛ یعنی بعد از انقلاب اسلامی ایران. چون آثار متفکران ایرانی تا این تاریخ وارد فضای فکری ترکیه نشده بود، تفاوت مذهبی جامعه مسلمانان ترک با جامعه مسلمانان ایران، به درستی معلوم نیست؛ اما به عقیده ما تفاوت‌های مذهبی یکی از عمده این مسائل در جامعه است. اما پس از انقلاب اسلامی، چه چیزی سبب شد تا مسئله مذهب مورد اغماض قرار گیرد؟ علت این امر شاید تخیل تشکیل حکومت

آثار مرحوم مرتضی مطهری، بیشترین تأثیر را داشته است، این دوره را در میان اسلاميون ترکیه، می توان دوره گرایش به شیعه نام گذاشت. اما در دوره بعد، تعداد آثار ترجمه، کاهش چشمگیری دارد. در دوره های بعد موضوع اصلی نشریات در ترکیه به ویژه آن بخش از مجلات که خارج از موضوع بحث ماست، اسلامگرایی ترک بوده است. در این دوره متفاوت از اسلامگرایی ترک که در دهه ۱۹۶۰ م. مطرح بود، چگونگی توسعه اندیشه اسلامی با محتوای ارزش های ترکی مطرح گردید. اسلاميون از سال ۱۹۹۰ م. به بعد با پایبندی به اسلام دهه ۶۰ م. و به دور از ایجاد تضاد و تنش با ارزش های سنتی مردم ترکیه، خط مشی جدیدی ترسیم کردند که ضمن لحاظ کردن ارزش های مردم ترکیه، آگاهی بخشی به مردم نیز مطمح نظر است. تأکید بر مسئله مذهب در این دوره بسیار جالب توجه است. همچنین، تأکید مکرر بر مذهب شیعه نیز قابل توجه است. زیرا تا آن دوره، حتی کسی نام شیعیان را نیز نشنیده بود. به همین دلیل، گروه خاصی وجود نداشت، که بخواهد درگیری مذهبی بین شیعه و سنی ایجاد کند. بنابراین احتمالاً تمایلات شیعی در میان اسلاميون، باعث این گونه مباحث شد و صحبت از مدل شیعه در سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ م. نشان دهنده این مسئله است.

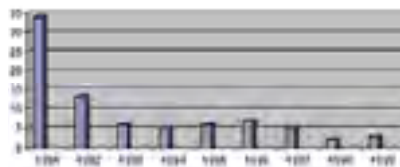
همان گونه که گفته شد، به عقیده ما آثار مرحوم مرتضی مطهری در نهضت شیعه شدن بیشترین تأثیر را داشته است و علت این امر، مطالعه آثار سایر متفکران ایرانی بویژه آثار مرحوم مطهری و اندیشه های وی، انعکاس نقطه نظرات روحانیت شیعه در ترکیه است. مطهری که در تحقق انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشت، در ترکیه بیش از هر کس دیگری به عنوان یک روحانی مطرح است.

جهان بینی اسلامی مرحوم مطهری و ترجمه آن به ترکی، تأثیر زیادی در معرفی اندیشه های وی داشت و ارزش هایی که ایشان در آثار خود از آنها سخن می گوید، همواره سؤالاتی را در اذهان خوانندگان ترک ایجاد کرد. این جریان، دوره تجزیه و تحلیل را در پی داشت. و اما جواب این سؤال که آثار امام خمینی (ره) در این دوره چه تأثیری داشته است؟ این است که امام

اسلامی نزد اسلاميون ترک بود که با رویارویی با چنین انقلابی تحت تأثیر آن قرار گرفتند. زیرا جو بحث برانگیزی که این موضوع در دوره های بعد به وجود آورد، نشان می دهد که تفاوت های مذکور هیچ وقت فراموش نشده و فقط در یک دوره زودگذر و هیجانی نادیده گرفته شده است. در جدولی که به همین منظور ترسیم شده، میزان توجه به آثار ترجمه شده اندیشمندان ایرانی، طی ده سال را نشان داده می شود.



سال ۱۹۸۰ م. سرآغاز توجه به ترجمه آثار متفکران ایرانی به زبان ترکی است؛ و تا سال ۱۹۹۰ م. به اوج خود می رسد. در طول این ده سال، توجه بسیاری به آثار اندیشمندان ایرانی شده است. اگر سایر موضوعات اسلامی را که خارج از بحث ماست، مدنظر قرار دهیم، می توان گفت که این توجه و امعان نظر سطح بالاتری نیز دارد. زیرا در این دوره بیشتر منابع و مطالب مجلات و سایر نشریات را نیز، آثار متفکران ایرانی تشکیل می داد. اکنون جدول دیگری را ملاحظه می کنید که در واقع ادامه دوره قبلی است، یعنی سال های ۱۹۹۵-۱۹۹۲ م.



کسانی که با این موضوع آشنا نیستند، می دانند که سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ م. دوره ای است که گفته می شود مذهب جعفری، الگو قرار گرفته بود. تأثیر آثار ترجمه شده متفکران ایرانی خصوصاً

و ترجمه آنان، قصد داریم نحوه برداشت و فهم مترجمان ترک را بررسی کنیم.

در بخش قبل سعی کردیم، با مقایسه اصل عناوین آثار مرحوم مطهری و ترجمه آنان، چگونگی و فهم و درک مترجمان از این آثار را بیان کنیم. با نگاهی دقیق تر به این نمونه‌ها، مشاهده می‌شود که مترجمان هم با مشکل زبان و هم با مشکل عدم آشنایی با منابعی مواجهند که مرحوم مطهری در آثار خود از آنها بهره برده است. در انتخاب نمونه‌ها سعی کردیم مواردی را بیاوریم که مترجمان در ترجمه دچار هر دو خطای بالا شده‌اند.

اصل: پیرامون جمهوری اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴ ش.
ترجمه: در چارچوب جمهوری اسلامی، ترجمه آلیتکین دورسون اوغلو، انتشارات شورا، استانبول، ۱۹۹۱ م.

اصل: «البته ما آینده را پیش‌بینی می‌کنیم، که آینده بشریت آینده جامعه توحیدی است. جامعه توحیدی، هم به مفهوم فکری و اعتقادی و هم به مفهوم اجتماعی». (ص ۲۱)

“Elbette biz, geleceği şöyle tahmin ediyoruz: İnsanlığın geleceği tevhidî toplumun geleceğidir; tevhidî toplum da fikrî, itikadî ve toplumsal bir kavramdır” (s. 9)

ترجمه: «البته ما، آینده را این‌گونه تخمین می‌زنیم: آینده بشریت، آینده جامعه توحیدی است، جامعه توحیدی نیز، یک مفهوم فکری، اعتقادی و اجتماعی است.»

اصل: «شرایط یعنی؛ چیزهایی که بدون آنها مشروط امکان‌پذیر نیست، اما معنیش این نیست که حتماً وجود آنها کافی است و هیچ شرط دیگری در کار نیست». (ص ۲۲)

“Şartlar, yani kendileriyle şart kılınan şeylerin sağlanması imkân dâhilinde olmayan şeyler” (s. 10).

ترجمه: «شرایط، یعنی امکان‌تأمین چیزهایی که مشروط شده‌اند، وجود نداشته باشد.»

خمینی(ره) به تصور اینکه رهبر انقلاب اسلامی بوده و با شعار «لاسنی، لاشیعه، اسلامیه اسلامیة» عالمی شیعی قلمداد نشد و بیشتر با توجه به محتوای مزبور شناخته شده است، به همین دلیل، امام خمینی(ره) در آغاز این جریان قرار نداشتند. امام خمینی(ره) در دوره‌های بعدی به دلیل آثار عرفانی، در ردیف دوم قرار دارد. زیرا این وضعیت، اسلامیون رادیکال را که بر اساس اندیشه ردیه، به ویژه رد فرهنگ عرفانی می‌اندیشیدند، آزرده خاطر کرده است. به هر حال، این موضوع باید بیشتر تجزیه و تحلیل شود و برای رسیدن به نتایج قطعی هنوز زود است. اگر مجدداً به جداولی که در بالا ترسیم شده بود، مراجعه کنیم، این نتیجه به دست می‌آید: آثاری که همزمان با وقوع انقلاب اسلامی ایران در ترکیه ترجمه شد در مدت کوتاهی مصرف شد، ولی جایگزینی نداشت. فراوانی آثار ترجمه شده در یک مدت زمان کوتاه، مشکل درک مطالب را نیز در پی داشته است. زیرا مترجمان قبل از خوانندگان، دوره بحران جدی هویتی را پشت سر گذاشته‌اند و جای بحث دارد که این مشکل، فقط در زبان بوده باشد. حداقل می‌توان گفت که برای برخی مترجمان، مشکل در زبان بوده است. نتیجه این مقایسه این است که، مترجمان گاهی نه با مشکل زبان، بلکه با مشکل رویارویی با خوانندگان رنج می‌بردند. به ویژه اینکه این مشکل در ترجمه جهان‌بینی اسلامی - وحی و نبوت اثر مرحوم مطهری، آشکارا به چشم می‌خورد.

هیچ وقت نباید فراموش کرد که گرایش اسلامی ترک از جمعیت اخوان المسلمین و جماعت اسلامی تغذیه شده است. این دو تفکر، اندیشه متفکران ایرانی را در ترکیه، با محدودیت مواجه می‌کرد و یادآوری مطالعات گذشته، خوانندگان را در درک آثار متفکران ایرانی، با مشکل مواجه می‌ساخت. به عبارت دیگر، باعث عدم فهم آنها شده است.

در میزگردی که درباره دکترعلی شریعتی بود، یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «می‌توان [در شریعتی] عشق به علم و همت و تولید علم مودودی و عزم بر مبارزه سیدقطب [...] را مشاهده کرد.» پس از این مبحث، با مقایسه اصل عناوین آثار مرحوم مطهری

o hareketin rehberi ve hedefleri hakkında görüş sahibi olabiliriz” (s. 84).

ترجمه: «و یا پس از تشریح اهداف آن، می‌توانیم درباره ماهیتش صاحب‌نظر شویم، و یا اینکه درباره رهبر و اهداف آن حرکت، صاحب‌نظر باشیم».

اصل: «یعنی در هر نهضتی، برداشتی اقتصادی از تاریخ و برداشتی تاریخی از اقتصاد و برداشتی تاریخی و اقتصادی از انسان،

بدون برداشتی انسانی از تاریخ و جامعه و اقتصاد». (ص ۷۵)

“Yani, “her harekette tarihten iktisadî bir kazanç, iktisattan tarihî bir kazanç ve insandan iktisadî-tarihî bir kazanç ve bunların toplamı olarak da iktisat, tarih ve toplumdan insana ait bir kazanç vardır” (s. 84).

ترجمه: «یعنی در هر نهضتی یک دستاورد اقتصادی از تاریخ، یک دستاورد تاریخی از اقتصاد و یک دستاورد اقتصادی-تاریخی از انسان و مجموع این‌ها نیز از اقتصاد، تاریخ و جامعه دستاوردی برای انسان وجود دارد».

اصل: «بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ش، قم.

ترجمه: حرکت‌های اسلامی در یک صدساله اخیر، ترجمه ابراهیم شاهین، انتشارات صحرا، آنکارا، ۱۹۸۸م.

اصل: «هنگامی که نهضتی در جریان است، مانند این است که صحنه‌ای را در حالی که گرد و غبار برانگیخته است، بخواهیم مشاهده کنیم؛ یا از آن عکسبرداری نمائیم که البته اندکی دشوار است، برخلاف هنگامی که نهضت پشت کرده و پایان یافته باشد، مانند آن است که صحنه‌ای را پس از فرونشستن گرد و غبار، بخواهیم ببینیم یا از آن عکسبرداری نماییم». (ص ۶۲)

“Hareketin gidişatı sırasında müşahade etmek veya görüntülemek istediğimiz zaman meydan toz duman içindeki bir sahne gibidir. Elbette hareketin sona erdiği

اصل: «بلکه مقصودشان یک مؤسسه مستقل و وابسته به روحانیت است و این نظریه، براساس نظریه دیگری است که ایشان درباره روحانیت دارند، که روحانیت باید مستقل بماند، همچنان که در گذشته مستقل بوده است [...] اینکه روحانیت شیعه توفیق پیدا کرده، چندین نهضت و انقلاب را در صد ساله اخیر رهبری بکند، به دلیل استقلالش از دستگاه‌های حاکمه وقت بوده است». (ص ۲۵)

“Belki kastettikleri ulemâya bağımlı, müstakil bir kurumdur. Bu nazariye, kendilerinin de içinde bulunduğu ve geçmişte olduğu gibi şimdi de müstakil kalması gereken ulemâ nazariyesini temellendirmektedir [...] Şia ulemâsı, son yüzyıllık oluşumlara, devrin hâkim güçlerinden istiklallerini kazanmaları için, birçok inkılâp ve harekete rehberlik ederek yardım etmiştir” (s. 13).

ترجمه: «بلکه مقصودشان یک مؤسسه مستقل و وابسته به علماست. این نظریه، برپایه نظریه علما در گذشته است که خودشان درون آن قرار دارند و در گذشته مستقل بوده و امروز نیز باید مستقل باشد [...] علمای شیعه، برای کسب استقلال از حکام وقت، در یکصدسال اخیر با رهبری بسیاری از حرکت‌ها و انقلاب‌ها به آنها کمک کرده‌اند».

اصل: «ما می‌توانیم رهبری یک نهضت را تشریح بکنیم و بدون آنکه هدایت یا هدف‌های آن نهضت را بشناسیم، یا هدف‌هایش را تشریح کنیم بدون آنکه توجه به ماهیت آن داشته باشیم، و یا، ماهیتش را تعریف کنیم بدون آنکه توجه به هدف‌ها و رهبری‌هایش داشته باشیم». (ص ۷۴)

“Ya da hedeflerini açıkladıktan sonra, mahiyeti konusunda görüş sahibi olabiliriz. Yahut mahiyetini anladıktan sonra ancak

تغییر را با هم سازگار کند...» (ص ۷۸-۷۷)

“İslâm Allah’a karşı vefadarlığı değil, çünkü Allah, her hayatın nihai ruhani temelidir. Allah’a karşı vefadarlık ameli olarak onun kendi misali tabiatına ve zatına vefadarlık gibidir, gerçeklerden şöyle bir tasavvur üzerine bina edilmiş bir topluluğun kendi hayatında “ebediyet” ve “değişme” konularını birbiriyle uygun bir hale sokması gerekir” (s. 66).

ترجمه: «اسلام وفاداری به خداوند را نمی‌خواهد، زیرا خداوند، پایه نهایی و روحانی هر زندگی است. وفاداری نسبت به خداوند در عمل، همانند وفاداری به طبیعت مثالی و ذات اوست، جامعه‌ای که بر اساس چنین تصویری از حقیقت‌ها بنا شده باشد، باید در زندگی خود بین «ابدیت» و «تغییر»، یک حالت متناسب برقرار سازد.»
اصل: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی ۳ وحی و نبوت، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷ش، قم.

ترجمه: جهان‌بینی اسلام ۲ وحی و نبوت، ترجمه: اونال چتین کایا، انتشارات اندیشه، ۱۹۹۰م، آنکارا.

اصل: «پیامبران، به منزله دستگاه گیرنده‌ای هستند که در پیکره بشریت به کار گذاشته شده‌اند.» (ص ۸)

“Peygamberler, insan olmalarıyla işe koyulan ve idare makamını ellerinde bulunduran kimselerdir” (s. 17).

ترجمه: «پیامبران با وجود انسان بودن، کسانی هستند که مقام هدایت را در دست دارند.»

اصل: «به حقیقت او را «مبعوث» می‌کند، یعنی نیروهای او را برمی‌انگیزد و انقلابی عمیق و عظیم در او به وجود می‌آورد و این انقلاب در جهت خیر و رشد و صلاح بشریت صورت می‌گیرد و واقع‌بینانه عمل می‌کند، قاطعیت بی‌نظیری به او می‌دهد. تاریخ هرگز قاطعیتی مانند قاطعیت پیامبران و افرادی که به دست و به

toz dumanın çekildiği sahne ve biraz da zordur” (s. 52).

ترجمه: «اگر نهضتی را هنگام حرکت بخواهیم مشاهده یا فیلمبرداری کنیم، مانند صحنه میدان پر از گرد و غبار باشد. البته حرکت به پایان برسد و گرد و غبار فروکش نماید و صحنه سخت‌تر هم هست.»

اصل: «نیروهای اجتماعی ما، اگر بیایی چون موج برمی‌خیزند و جذب می‌شوند به خاطر تبدیل حرکت به بنیاد است، به خاطر قالب پیدا کردن اندیشه و عمل است.» (ص ۷۶)

“Sosyal kuvvetlerimiz eğer böyle bir hareket için ayağa kalkıyorsa, hareketin yapıya dönüşmesi sebebiyle cezp oluyorlar, bu düşünce ve hareketin kalıp bulması sebebiyledir” (s. 65).

ترجمه: «اگر نیروهای اجتماعی ما به خاطر چنین حرکتی به پا می‌خیزند و به دلیل تبدیل حرکت به ساختار جذب می‌شوند، این اندیشه به خاطر قالب پیدا کردن حرکت است.»

اصل: «پاسدار صراط مستقیم است و مراقب پیوندگان است که از صراط مستقیم منحرف نشوند، عامل تبدیل حرکت به بنیاد است؟» (ص ۷۷)

“Acaba sırat-ı müstakim muhafızı olan araştırmacıların ve hareket halinde olanların denetleyicisi midirler ki, sırat-ı müstakimden sapmasınlar?” (s. 66).

ترجمه: «آیا مراقب محققان محافظ صراط مستقیم و کسانی که در حال حرکتند، هستند تا از صراط مستقیم منحرف نشوند؟»

اصل: «و هم او [اقبال] می‌گوید: اسلام وفاداری نسبت خدا را خواستار است نه وفاداری نسبت حکومت استبدادی را، و چون خدا بنیان روحانی نهایی هر زندگی است، وفاداری به خدا عملاً وفاداری به طبیعت مثالی خود اوست. اجتماعی که بر چنین تصویری از واقعیت بنا شده باشد، باید به زندگی خود، مقوله‌های ابدیت و

انبیاء و رسل مشخص می‌شود [...] از این جهت هرگز نمی‌توان
انبیاء و رسل را با هم مقایسه کرد.»

برخی ملاحظات به جای نتیجه‌گیری

همانگونه که اشاره شد، موضوع مقاله، موضوع تازه‌ای است. از
این جهت تفکراتی که ذکر کردیم قابل بحث‌اند و چنانچه مباحثی
از چشم نویسنده دور مانده، دیگران آن را مطرح نمایند. بنابراین،
پس از این تحقیقات محدود که در نوع خود برای اولین بار انجام
می‌پذیرد، نمی‌توانیم نتایج قطعی به خواننده ارائه کنیم. لذا مطالب
گفته شده را، به صورت زیر می‌توان بیان کرد:

اسلامگرایی ترک همواره پس از تجزیه و تحلیل وضعیت
خود، احتیاج به یک سازماندهی جدیدی دارد. اما برخی حوادث
که در خارج از مرزهای ترکیه رخ می‌دهد، باعث می‌شود که
اسلامگرایان ترک قبل از حل مسائل درونی خود، به خارج متمایل
شوند و به همین دلیل مدت‌های طولانی، قفسه‌های کتابفروشی‌ها،
پر از کتاب‌هایی شود (اعم از ترجمه یا تألیف) که پاسخی برای
سئوالات باشد. تا دهه ۵۰ م. انتشارات اسلامی در ترکیه بسیار
نحیف است، اما پس از دهه ۶۰ م. این موضوع به طور جدی
افزایش یافت. اغلب آثاری که در این دوره به زبان ترکی ترجمه
شد، از نویسندگان عرب، بویژه جماعت اسلامی و اخوان المسلمین
بود، که با هدف پاسخ به مسائل دنیای پیشرفته و در رأس آنها
سوسیالیسم و کاپیتالیسم بود. اسلامگرایان ترکی که در طول ۲۰
سال با مطالعه آثار رهبران حرکت‌های اسلامی، در پی یافتن مدلی
برای حکومت دنیای اسلام بودند، وقوع انقلاب اسلامی ایران در
سال ۱۹۸۰ م، تأثیر بسزایی در آنان داشت. حکومتی که سالها
در انتظار ایده‌آلی‌های آن بودند. تا این تاریخ، نامی از متفکران
ایرانی در ترکیه شنیده نشده بود، اما شوق این مدل حکومتی
باعث ترجمه آثار اندیشمندان ایرانی شد، و در مدت کوتاهی، تعداد
آثار ترجمه شده افزایش چشم‌گیری داشت. آثاری که در این دوره
بیش از دیگران مورد توجه قرار گرفت، کتاب‌های دکتر علی
شریعتی و مرتضی مطهری بود. از سال ۱۹۹۲ م. به بعد، با تغییر و

وسيله آنان برانگیخته شده‌اند، نشان نمی‌دهد». (ص ۱۰)
“Onda, büyük ve derin değişiklikler
meydana getirir. Bu değişim ise, insanın
iyiliğinde, hayrında ve kemâlinde şekillenir.
Ona olayları göstermeye çalışır ve eşsiz bir
mutlaklık kazandırır. Tarih, olayları asla
peygamberler ve onların eliyle harekete
geçirilmiş olarak yansıtmaz” (s. 18).

ترجمه: «در او تغییرات عمیق و عظیم را به وجود می‌آورد.
این تحول در خوبی، خیر و کمال انسان شکل می‌گیرد. سعی
می‌کند حوادث را به او نشان دهد و مطلقیت بی‌نظیری را برای او
به ارمغان بیاورد. تاریخ، هرگز حوادث را آن‌گونه منعکس نمی‌کند
که به دست پیامبران به حرکت درآمده باشند.»

اصل: «یعنی پیامبران نه تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار
می‌گیرند و مرتکب گناه می‌شوند و نه در کار خود دچار اشتباه
و خطا می‌شوند. برکناری آنها از گناه و اشتباه، حد‌اعلای قابلیت
اعتماد به آنها می‌دهد». (ص ۱۳)

“Peygamberler heva ve heveslerinin
etkisinde kalmazlar. Günah ve yanlışlarla,
peygamberlerin arasına yüce bir güven ve
yetenek sınırı konmuştur” (s. 22-23).

ترجمه: «پیامبران تحت تأثیر هوا و هوس‌ها قرار نمی‌گیرند. بین
پیامبران و گناه و خطاها، مرزی باقابلیت و اعتماد بالا گذاشته شده است.»

اصل: «از همین جا می‌توان به تفاوت پیامبران و نوابغ پی برد.
نوابغ [...] و نوابغ از این نیرو بی‌بهره‌اند. و به همین جهت به هیچ
وجه نمی‌توان پیامبران را با نوابغ مقایسه کرد». (ص ۱۶-۱۷)

Yukarıda anlatılanlara göre, burada
nebilerle rasullerin farkı ortaya konulabilir
[...] Bu yönden nebilerle rasuller asla
kıyaslanamaz (s. 26).

ترجمه: «بر اساس آنچه که در بالا ذکر شد، در اینجا فرق بین

8. ŞERİATÎ, Ali, *İnsanın Dört Zindanı*, (چهار چمن زندان انسان) çev. Hüseyin Hatemî, Bir Yay., İstanbul.
9. ____, *Medeniyet ve Modernizm*, (تمدن و تجدد) çev. Ahmet Yükseköğlü, 4. bsk., Bir Yay., İstanbul.
10. SURUŞ, Abdulkerim, *Evrenin Yatışmaz Yapısı*, (نهاد ناآرام جهان) çev. Hüseyin Hatemî, İnsan Yay., İstanbul.
11. MUTAHHARÎ, M., *Kuran'da İnsan*, (انسان در قرآن) çev. Abdullah Rezevî, Kadioğlu Matbaası, Ankara.
12. ŞERİATÎ, Ali, *Dua*, (نیایش) çev. Kerim Güney, 2. baskı, Bir Yay., İstanbul.
13. ____, *Toplumbilim Üzerine*, (جامعه شناسی) çev. Kenan Sökmen, Bir Yay., İstanbul.
14. ____, *İslam Ekonomisi*, (اقتصاد اسلامی) çev. Kenan Sökmen, Birleşik Yay., İstanbul.
15. ____, *İslam Sosyolojisi*, (جامعه شناسی اسلامی) çev. Kenan Sökmen, Birleşik Yay., İstanbul.
16. ŞERİATÎ, Ali, *Fatıma Fatımadır: Kadın Sorunu Üzerine*, (فاطمه فاطمه است) çev. Fikret Yalçınkaya, Dünya Yay., İstanbul.
17. ____, *Biz ve İkbâl*, (ما و اقبال) çev. Ergin
- تحول فکری در ترکیه و شروع دوره بازخواست توجه به آثار مرحوم مطهری کم شد و به مرور با رکود مواجه گردید. این آثار بعد از سال ۱۹۹۵ م. به دنبال حاکمیت تفکری خاص از اسلامگرایی به طور کامل از نظرها دور شد و امروز آثار مرحوم مطهری را هیچ یک از مترجمان، ترجمه نمی کنند.
- 1980
1. ŞERİATÎ, Ali, *Marksizm ve Diğer Batı Düşünceleri*, (مارکسیسم و مکتب های دیگر) çev. Fatih Selim, Düşünce Yay., İstanbul.
2. ____, *İslâm Sosyolojisi Üzerine*, (جامعه شناسی اسلامی) çev. Kamil Can, Düşünce Yay., İstanbul.
3. ____, *Hacc*, (حج) çev. Fatih Selim, Düşünce Yay., İstanbul.
- 1981
4. ŞERİATÎ, Ali, *Ne Yapmalı?*, (چه باید کرد) çev. Muhammed Hizbullah, Düşünce Yay., İstanbul.
5. MUTAHHARÎ, M., *Tevhidî Dünya Görüşü*, (جهان بینی توحیدی) çev. (?), Pınar Yay., İstanbul.
6. ____, *İslâm Devrimi*, (انقلاب اسلامی) çev. Ali Emiroğlu, Pınar Yay., İstanbul.
- 1983
7. ŞERİATÎ, Ali, *Papa ve Marx Olmasaydı*, (اگر پاپ و مارکس نبودند) çev. Ali İskender-Sabahaddin Yakın, Aylık Dergi, Ankara.
- 1984

Hatemî, İşaret Yay., İstanbul.

29. ___-TAVASSULÎ-HAMANEÎ-ZENCANÎ-BEHEŞTÎ, *Tevhidî Görüş*, (جهان بینی توحیدی) çev. Mehmet Şahin, Sahra Yay., İstanbul.

30. ŞERİATÎ, Ali, *Kuran'a Bakış*, (نگاهی به قرآن) çev. Ali Seyidoğlu, Fecr Yay., Ankara.

31. TÂBÂTÂBÂÎ, M. Hüseyin, *İslâm'da Kuran*, (قرآن در اسلام) çev. Ahmet Erdinç, Bir Yay., İstanbul.

32. BEHEŞTÎ, M. Hüseyin, *Bilmek*, (شناخت) çev. İbrahim Keskin, Bir Yay., İstanbul.

33. HADDAD-ADİL, Gulamali, *Çıplaklık Kültürü ve Kültürel Çıplaklık*, (فرهنگ برهنگی و برهنگی) çev. Sabah Kara, Seçkin Yay., İstanbul.

1989

34. MUTAHHARÎ, M., *İslâm Devrimi*, (پیرامون) çev. Kenan Çamurcu-Taha Uğur-Zafer Erdoğan, Akademi Yay. İst

35. ___, *Tarih ve Toplum*, (جامعه و تاریخ) çev. Cengiz Şişman, Yöneliş Yay., İstanbul.

36. ___, *İnsan-ı Kamil*, (انسان کامل) çev. Şehmuz Okur, Akademi Yay., İstanbul.

37. ___, *Hatemiyet*, (خاتمیت) çev. Şamil Öcal, Fecr Yay., Ankara.

38. ŞERİATÎ, Ali, *Hür Düşünce Mektebi*, (مکتب

Kılıçtutan, Burhan Yay., İstanbul.

18. ___, *Kapitalizm Uyanıyor mu?*, (به سر عقل آمدن سرمایه داری) çev. Fikret Yalçınkaya, Dünya Yay., İstanbul.

19. ___, *Kültür ve İdeoloj, Etrafında Konuşmalar*, (فرهنگ و ایدئولوژی) çev. Orhan Bekin, Bir Yay., İstanbul.

20. ___, *Aşk ve Tevhid*, (عشق و توحید) çev. Ali Rehavî, Tebliğ Yay., İstanbul.

21. MUTAHHARÎ, M., *Hayatın Hedefi*, (هدف زندگی) çev. Kerim Güney, Seçkin Yay., İstanbul.

1987

22. ŞERİATÎ, Ali, *Dine Karşı Din*, (مذهب علیه مذهب) çev. Hüseyin Hatemî, İşaret Yay., İstanbul.

23. ___, *Ebuzer-i Gıfari*, (ابوذر غفاری) çev. Salih Okur, Tebliğ Yay., İstanbul.

24. ___, *Medeniyet Tarihi I-II*, (تاریخ تمدن ج 1 و 2) çev. İbrahim Keskin, Fecr Yay., Ankara.

25. MUTAHHARÎ, M., *İnsan Gerçeği*, (حقیقت انسان) çev. Celaleddin Yılmaz, Fıtrat Yay., İstanbul.

26. ___, *Hicab*, (حجاب) çev. Salih Faik, Dünya Yay., İstanbul.

1988

27. MUTAHHARÎ, M., *Son Yüzyıldaki İslâmî Hareketler*, (حرکت های اسلامی در صد سال اخیر) çev. İbrahim Şahin, Sahra Yay., Ankara.

28. ___, *Adl-i İlahî*, (عدل الهی) çev. Hüseyin

49. ŞERİATÎ, Ali, *Ali Şiası Safevî Şiası*, (تشیع علوی و تشیع صفوی) çev. Feyzullah Artinli, Yöneliş Yay., İstanbul.
50. ____, *Muhammed'i Tanıyalım*, (شناخت محمد) çev. Ali Seyidoğlu, Fecr Yay. Ankara.
51. ____, *Dinler Tarihi I-II*, (تاریخ ادیان ج 1 و 2) Abdülhamit Özer, Seçkin Yay., İstanbul.
52. ____, *İki Sure İki Yorum*, (دو سوره دو تفسیر) çev. Selim Naci Karaarslan, Endişe Yay., Ankara.
53. ____, *Aydınlara Umut Çağrısı Rum Suresinden Dersler*, (درس‌هایی از سوره روم _ پیام امید) çev. Ejder Okumuş, İnkılap Yay., İstanbul.
54. ____, *Ümmet ve İmamet*, (امت و امامت) çev. Ahmet Sait, Fecr Yay., Ankara.
55. ____, *Ayet Yorumları I*, (تفاسیر آیات ج اول) çev. Sabah Kara, Kıyam Yay., İstanbul.
56. ____, *Kendini Bilmek*, (خود شناسی) çev. Selim Naci Karaarslan, Endişe Yay., Ankara.
57. MUTAHHARÎ, M., *İslâm İlimleriyle Tanışma I*, (آشنایی با علوم اسلامی) çev. Abdullah Kutlu, Endişe Yay., Ankara.
58. ____, *Cihad*, (جهاد) çev. M. Said Okumuş, Akademi Yay., İstanbul.
59. ____, *Vahy ve Nübüvvet*, (وحی و نبوت) çev. Ünal Çetinkaya, Endişe Yay., Ankara.
60. ____, *Kuran'da İnsan-İman ve Ahiret*, (انسان ایمان و آخرت در قرآن) çev. M. Selahaddin Silahdar, Endişe Yay., Ankara.
61. MANSURÎ, Cevad, *Emperyalizmin*
39. BEHEŞTÎ, M. Hüseyin, *Kuran'ı Anlama Metodu*, (روش فهم قرآن) çev. Sabah Kara, Kıyam Yay., Ankara.
40. ____, -BAHONER, M. H.-C., *İnsan ve Tarih*, (انسان و تاریخ) çev. Ahmet Erdinç, Bir Yay., İstanbul.
41. TALEGANÎ, Mahmut, *İslâm ve Mülkiyet*, (اسلام و مالکیت) çev. Ahmet Saidoğlu, Yöneliş Yay., İstanbul.
42. HUMEYNÎ, İmam, *İlahî Aşk*, (عشق الهی) çev. Kadri Çelik, Akademi Yay., İstanbul.
43. ____, *Kırk Hadis Şerhi I*, (شرح چهل حدیث) çev. Kadri Çelik, Akademi Yay., İstanbul.
44. ____, *Mektuplar-Mesajlar*, (نامه ها و پیام ها) çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.
45. SURUŞ, Abdülkerim, *Dini Düşüncenin Yeniden Kurulması ve Dr. Ali Şeriatî*, (تجدید حیات تفکر دینی و دکتر علی شریعتی) çev. Sabah Kara, Kıyam Yay., İstanbul.
46. ____, *Dinî Düşüncenin Yeniden Kurulması ve Dr. Ali Şeriatî*, (تجدید حیات تفکر دینی و دکتر علی شریعتی) çev. Sabah Kara, Kıyam Yay., İstanbul.
47. TÂBÂTÂBÂÎ, M. Hüseyin, *İnsanın Tarihte Tekâmülü*, (تکامل انسان در تاریخ) çev. Ubeyd Küçükler, Seçkin Yay., İstanbul.
48. RAHNEVERD, Zehra, *Musa'nın Kıyamında Yol Arkadaşı*, (همسفر موسی در قیام) çev. Kürşat Aydoğmuş, Endişe Yay., Ank

- Özellikleri, (ویژگیهای امپریالیسم), çev. Ahmet Yusuf, Akademi Yay., İstanbul.
73. ___ Her Hicret Bir İnkılâptır, (هجرت و انقلاب), çev. M. Emin Alper, İhtar Yay., İstanbul.
74. ___ Kendini Devrimci Yetiştirmek, (خود سازی), çev. Malik Ejder, Çizgi Yay., İstanbul.
75. ___ İbrahim İle Buluşma, (ملاقات با ابراهیم), çev. A. Eymen Reyli, Fark Yay., İstanbul.
76. ___ Çağımızın Müslüman Kadından Beklentisi, (انتظار عصر حاضر از زن مسلمان), çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.
77. MUTAHHARÎ, M., Metaryalizme Eğilim Nedenleri, (çev. Kasım Seyidoğulu, Bengisu Yay., İstanbul.
78. ___ İslâm Cumhuriyeti Çerçevesinde, (انقلاب اسلامی), çev. Alptekin Dursunoğlu, Şura Yay., İstanbul.
79. ___ Kadın, (زن), çev. İsmail Derya, Akademi Yay., İstanbul.
80. ___ Toplum ve Tarihte Hak ve Batıl, (حق و باطل), çev. (?), tashih: A. Kocaman-A. Karataş, Sena Yay., Konya.
81. ___ İmamet ve Rehberiyet, (امامت و رهبری), çev. Ünal Çetinkaya, Endişe Yay., Ankara.
82. ___ - KUTUB, S., Şehid, (شهید), çev. (?), Çizgi Yay., İstanbul.
83. ___ Peygamberin İzinde, (در طریق پیامبران), çev. Malik Eşter, Akdemi Yay., İstanbul.
84. ___ - H O R A S A N Î - S U R U Ş - Ş E H İ D Î , Vahdet,, (وحدت), çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.
85. HUMEYNÎ, İmam, Sözleriyle Hatt-ı
62. HUMEYNÎ, İmam, Hamd, (حمد), çev. M. Kerim Seçkin, 2. bsk., Endişe Yay., Ankara.
63. RAHNEVERD, Zehra, Yusuf'un Hicretiyle Adım Adım, (گام به گام با هجرت یوسف), çev. Kürşat Aydoğmuş, Endişe Yay., Ankara.
64. RAFSANCANÎ, H., Kuran Çerçevesinde, (پیرامون قرآن), çev. M. Hamdi Hocagil, Endişe Yay., Ankara.
65. SURUŞ, Abdülkerim, Aydınlık ve Dindarlık, (دین داری و روشنفکری), çev. Sabah Kara, Kıyam Yay., İstanbul.
66. ___ İleri Gericilik, (ارتجاع مترقی), çev. Abdullah Kutlu, Kıyam Yay., İstanbul.
67. ___ Peygamberler Aydınların Önderleri, (پیامبران . پیشگامان روشنفکران), çev. Abdullah Kutlu, Kıyam Yay., İstanbul.
68. ___ İlim ve Felsefeye Giriş, (مقدمه ای بر علم), çev. Barış Güler, Endişe Yay., Ankara.
69. BEHEŞTÎ, M. Hüseyin, İman ve Sosyal Hayat, (ایمان و زندگی اجتماعی), çev. (?), Birim Yay., İstanbul.
- 1991
70. ŞERİATÎ, Ali, Öze Dönüş, (بازگشت به خویشتن), çev. Kerim Güney, Yedi Gece Kitapları, İstanbul.
71. ___ İslâm'ın Tarih Felsefesi, (تاریخ اسلام), çev. Battal Uzuner, Endişe Yay., Ankara.
72. ___ Bir Önünde Sonsuz Sayıda Sıfırlar, (یک)

Önder, (امام بزرگترین رهبر) çev. İrfan Keser, Endişe Yay., Ankara.

98. ÇAMRAN, Mustafa, *İnsan ve Allah*, (انسان و) çev. Kasım Seyidoğlu, Bengisu Yay., İstanbul.

99. MUHACİRÎ, Mesih, *Halk Kurtuluşu ve İslâm Devriminin Dinamikleri*, (انقلاب اسلامی راه آینده), (قیام حسین (ع)) çev. Gürsel Uğurlu, Akademi Yay., İstanbul.

100. ŞEHİDÎ, Cafer, *Hüseyin'in Kıyamı*, (قیام حسین (ع)) çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.

101. MÜDERRİSÎ, Hadi, *İmam Hüseyin Şehadet Zamanı*, (زمان شهادت امام حسین (ع)) çev. Hasan Elnas, Menzil Kitabevi, Diyarbakır.

102. TALEGANÎ-MUNTAZERÎ, Mahmut-H. Ali, *İlk Hutbeler*, (اولین خطبه ها) çev. Şamil Doğruer, Yöneliş Yay., İstanbul.

103. REYŞEHRÎ, Muhammedî, *İmamet ve Rehberiyet Felsefesi*, (فلسفه امامت و رهبری) çev. Ünal Çetinkaya, Endişe Yay., İstanbul.

1992

104. ŞEBİSTERÎ, M. Müçtehid, *Akıl ve Din*, (عقل و دین) çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.

105. HAKİMÎ Ayetullah, *Toplumsal Hayat*, (زندگی اجتماعی) çev. E. Sedar, 2. bsk., Objektif Yay., İstanbul.

106. DESTGAYB, M. Haşim, *Karbela Katliamı ve Zeyneb'in Mesajı*, (فاجعه کربلا و پیام زینب (س)) çev. Hasan Elmas, Endişe Yay., Ankara.

107. AMULÎ, Cevad, *Tevhîde Çağrısı: İmam'ın*

İmam, (امام، خط امام) çev. Hüseyin Şahin, Endişe Yay., Ankara.

86. ____, *İmam'dan Mesajlar*, (رهنمود هایی از امام) çev. Selman Yalçın, Endişe Yay., Ankara.

87. ____, *Stır-ı Salat*, (سرصلات) çev. Kenan Çamurcu, Şura Yay., İstanbul.

88. ____, *Konuşmalar*, (گفتگو) çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.

89. ____, *İslâm'da Devlet*, (دولت در اسلام) çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.

90. ____, *Nefs Tezkiyesi*, (جهاد اکبر) çev. Hasan Kanaatlı, Objektif-Kalem Yay., İstanbul.

91. HAMANEÎ, S. Ali, *Nehc'ül-Belağ'a'dan Dersler*, (درسهایی از نهج البلاغه) çev. Alican Bahadır, Endişe Yay., Ankara.

92. YAZDÎ, Muhammed, *İmam Hüseyin (a)'in Misyonu*, (پیام امام حسین (ع)) çev. Nihat Çaylak, Endişe Yay., İstanbul.

93. SADIKÎ, Zeyneb, *Emperyalizme Karşı Müslüman Kadın*, (زن مسلمان رویارویی با امپریالیزم) çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.

94. MUNTAZERÎ, H. Ali, *Velayet-i Fakih I*, (ولایت فقیه) çev. Şeyho Duman, Endişe Yay., Ankara.

95. TÂBÂTÂBÂÎ, M. Hüseyin, *İslâm ve Toplum*, (انسان و جامعه) çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.

96. BAHONER, M. Cevad, *Allah'ı Tanımak*, (شناخت خدا) çev. Hasan Kanaatlı, Objektif-Kalem Yay., İstanbul.

97. ENSARÎ, Kirmanî, *İmam En Büyük*

119. ŞERİATÎ, Ali, *Makaleler*, (مقاله ها) çev. Serdar İslâm, Objektif Yay., İstanbul.
120. SURUŞ, Abdülkerim, *Kim Savaşım Verebilir*, (چه کسی می تواند مبارزه کند) çev. Sabah Kara, Seçkin Yay., İstanbul.
121. HUMEYNÎ, İmam, *Kerbela Mesajı*, (پیام کربلا) çev. Atila Gölcük, Aşura Yay., Çorum.
122. HAİRÎ, A. Hadi, *Osmanlı'nın Batılılaşma Çabaları ve Batı'nın İki Yüzü*, (تلاش های غرب گرایانه) çev. Hasan Büyükcengiz, Yöneliş Yay., İstanbul.
- 1994**
123. ŞERİATÎ, Ali, *Anne-Baba Biz Suçluyuz*, (پدر مادر ما متهمیم) çev. Kerim Güney, Seçkin Yay., İstanbul.
124. ____, *Kapitalizm*, (سرمایه داری) çev. Yakup Arslan, Dünya Yay., İstanbul.
125. ____, *Marxizm*, (مارکسیسم) çev. Yakup Arslan-Kenan Çamurcu, Dünya Yay., İstanbul.
126. HEKİMÎ, Mahmud, *Tağutlar Tuğyan Edince*, (وقتی طاغوت ها طغیان کنند) çev. Kadri Çelik, Hamd Yay., İstanbul.
127. HUMEYNÎ, İmam, *Pir-i Aşk*, (امام پیر عشق) çev. derleyen ve çev., Kadri Çelik, Hamd Yay., İstanbul.
- 1995**
128. ŞERİATÎ, Ali, *Şehadet*, (شهادت) çev. Muhammed Nayif Şayir, Fecr Yay., Ankara.
129. ____, *İslâm-Bilim II*, (اسلام شناسی ج دوم) çev.
108. BEHEŞTÎ, M. Hüseyin, *Kuran'da Tevhid*, (توحید در قرآن) çev. (?), Objektif Yay., İstanbul.
109. ____, *Kuran'da Müstazaf*, (مستضعفین در قرآن) çev. Serdar İslâm, Objektif Yay., İstanbul.
110. ŞEHİDÎ, S. Cafer, *Bir İslâm Tarihi Tahlili I*, (تاریخ تحلیلی اسلام) çev. Hasan Elmas, Endişe Yay., Ankara.
111. ____, *Fatimatü'z-Zehra*, (فاطمه الزهرا (س)) çev. E. Serdar, Objektif Yay., İstanbul.
112. ŞERİATÎ, Ali, *Mükemmel Bir Cemaat Ali Şiâsi*, (تشیع علوی یک حزب کامل) çev. Yusuf Eralp, Endişe Yay., Ankara.
113. ____, *İslâm-Bilim I*, (اسلام شناسی ج اول) çev. Faruk Alptekin, Nehir Yay., İstanbul.
114. MUTAHHARÎ, M., *Fıtrat Üzerine*, (فطرت) çev. Ömer Çiçek, Bengisu Yay., İstanbul.
115. ____, *Altı Makale*, (شش مقاله) çev. Said Okumuş, Akademi Yay., İstanbul.
116. HUMEYNÎ, İmam, *Sözleriyle Hatt-ı İmam II*, (خط امام، امام) çev. Hüseyin Şahin, Endişe Yay., Ankara.
- 1993**
117. İZZETÎ, Ebulfazl, *Devrimci İslâm ve İslâm Devrimi*, (اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی) çev. Serdar İslâm, Objektif Yay., İstanbul.
118. MUTAHHARÎ, M., *Gaybî Yardımlar*, (امدادهای غیبی در زندگی بشر) çev. Fuat Alaybeyoğlu, Seçkin Yay., İstanbul.

İnsan Yay., İstanbul.

1997

141. ŞERİATÎ, Ali, *Ve Cevap veriyorum*, (و پاسخ) çev. M. Emin Çimendağ, Kitabevi Yay., 2. bsk., İstanbul.

142. ____, *Öze Dönüş*, (بازگشت به خویشتن) çev. Kerim Güney, Kitabevi Yay., İstanbul.

143. ____, *Dine Karşı Din*, (مذهب علیه مذهب) çev. Hüseyin Hatemi, İşaret Yay., 2. bsk., İstanbul.

144. MUTAHHARÎ, M., *Kerbela ve İmam Hüseyin*, (کربلا و امام حسین(ع)) çev. Hasan Kanatlı, Kalem Yay., İstanbul.

145. ____, *İslâmî Düşüncenin İhyası*, (احیا تفکر) çev. Muhammed Çiftçi, İhtar Yay., Erzurum.

1998

146. MUTAHHARÎ, M., *Kuranî Araştırmalar II-III*, (تحقیقات اسلامی) çev. Cafer Bayar, Tuba Yay., İstanbul.

147. HATEMÎ, S. Muhammed, *Dalga Korkusu*, (بیم موج) çev. A. Hakyol, Kelime Yay., İstanbul.

1999

148. ŞERİATÎ, Ali, *Dua*, (نیایش) çev. Ali Erçetin, Birleşik Yay., 2. bsk. İstanbul.

149. ____, *Kültür ve İdeoloji*, (فرهنگ و ایدئولوژی) çev. Ali Erçetin, Birleşik Yay., 2. bsk, İstanbul.

150. ____, *Hubut: Yeryüzüne İniş*, (هبوط) çev. M. Şayir, Birleşik Yay., İstanbul.

Faruk Alptekin, Nehir Yay, İstanbul.

130. ____, *İslâm Nedir?*, (اسلام چیست) çev. Ali Seyidoğlu, Birleşik Yay., İstanbul.

131. MESCİD-İ CAMİÎ, M., *Ehl-i Sünnet ve Şia'da Siyâsî Düşüncenin Temelleri*, (اندیشه سیاسی) çev. Malik Eşter, İnsan Yay., İstanbul.

132. DESTGAYB, A. Hüseyin, *Nefs-i Mutmaine*, (نفس مطمئنه) çev. Aziz Çınar-Şefik Onar, İnsan Yay., İstanbul.

133. MUTAHHARÎ, M., *İslâmî İktisadın Felsefesi*, (فلسفه اقتصاد اسلامی) çev. Kenan Çamurcu, İnsan Yay., İstanbul.

1996

134. ŞERİATÎ, Ali, *İslâm Ekonomisi*, (اقتصاد اسلامی) çev. Kenan Çamurcu, İstanbul.

135. ____, *İki Sure İki Yorum*, (دو سوره دو تفسیر) çev. Selim Naci Karaarslan, Ekin Yay., İstanbul.

136. ____, *Kendini Devrimci Yetiştirmek*, (خودسازی) çev. Ejder Okumuş, Şura Yay., İstanbul.

137. ____, *Yarının Tarihine Bakış*, (نگاهی به تاریخ) çev. Orhan Bekin-Ejder Okumuş-M. Said Okumuş, Birleşik Yay., 2. bsk, İstanbul.

138. MUTAHHARÎ, M., *Kuranî Araştırmalar I*, (تحقیقات قرآنی تحقیقات قرآنی) çev. Cafer Bayar, Tuba Yay., İstanbul.

139. TÂBÂTÂBÂÎ, M. Hüseyin, *Söyleşiler*, (گفتارها) çev. İsmail Bendiderya, İnsan Yay., İstanbul.

140. AMULÎ, Cevad, *Celal ve Cemal Aynasında Kadın*, (زن در آئینه جلال و جمال) çev. Ejder Okumuş,